



**اهتمام شهدا به
رعايت حق الناس**

ناصر كاوه

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوه

امروز کشور ما به بزرگداشت شهدا احتیاج دارد

امروز کشور ما به بزرگداشت شهدا احتیاج دارد. تهاجم دشمنان در سطح مسائل معنوی، بسیار مشکل سازتر از حملات سخت است... شهدا در زمانی که زنده بودند، با جان خودشان دفاع کردند؛ امروز با هویت و معنویت خودشان دارند از هویت کشور و اسلام دفاع می کنند.

امام خامنه ای: در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت

شهدای استان خراسان جنوبی

۱۴ آبان ۱۴۰۲



بسم الله الرحمن الرحیم

اهتمام شهدا به رعایت حق الناس
نویسنده: ناصر کاوه
گرافیک و طراح: علی کربلائی
ویراستار و حروف نگار: نرگس کاوه
مشاور طرح: مهدی کاوه
روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی
رسانه و فضای مجازی: لیلا عاقلی
قیمت: ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

سرشناسه: کاوه، ناصر، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآور: زاهتمام شهدا به رعایت حق الناس
مشخصات ظاهری: ۳۲ ص.
شابک:
۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: شهیدان — ایران — بازماندگان — خاطرات
Martyrs — Iran — Survivors — Diaries
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — خاطرات
موضوع: Personal narratives — Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

فهرست

- مقدمه / ۶
- امام خمینی / ۹
- شهید میرافضلی / ۱۳
- خاکشیر / ۱۶
- شهید باقری / ۱۸
- شهید خرازی / ۲۰
- شهید حسنخوی / ۲۲
- شهید شجیعی / ۲۳
- شهید سیاهکالی / ۲۳
- شهید همت / ۲۴
- شهید دیالمه / ۲۶
- شهید چمران / ۲۷
- حق الناس / ۲۸
- امام خامنه ای / ۳۰

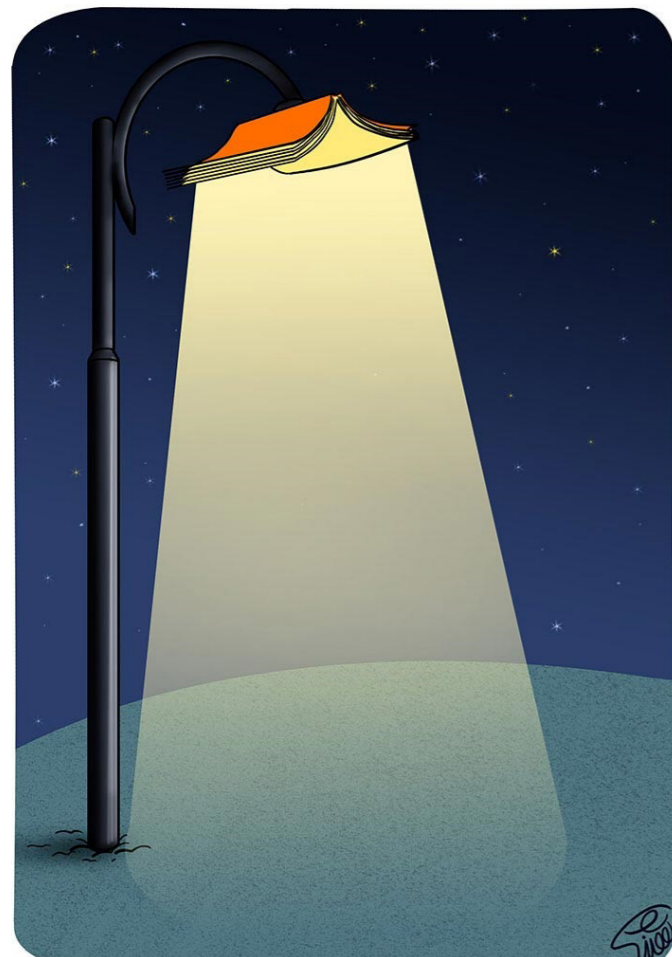
کتاب شهدا و عشق الناس، ناصر کاوه

نباید گذاشت جوشش خون شهیدان فرو بنشیند زیرا شهیدان هویت

ملت ایران هستند و ملت نباید هویت خود را فراموش کند.

دور معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه ای

۲۳ آذر ۱۴۰۲



این کتاب تقدیم می شود
به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)
امام خمینی (ره)، شهدا از صدر اسلام تا تمامی شهدای نظام مقدس
جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور شهید، سیدابراهیم رئیسی و شهدای همراه

امام خامنه ای

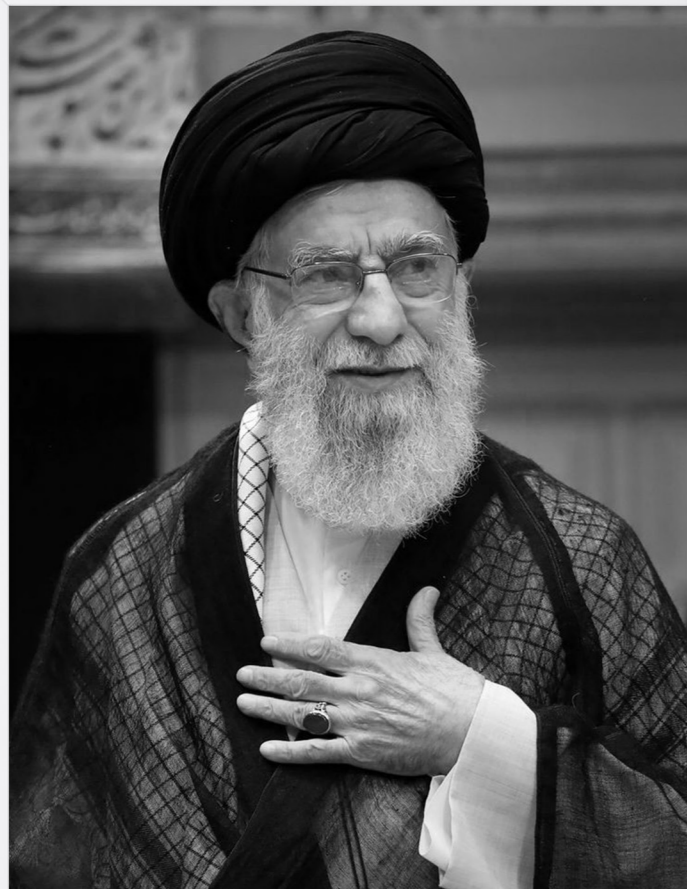
...ما با شهدا معاصر بودیم و جهاد و ایثار و شهادت و گره‌گشایی‌ها و ایستادگی آنان در مقابل قدرتها را دیدیم اما نسل جوان، این موضوع را با وضوح و بداهتی که ما متوجه شدیم، نمی‌بینند، بنابراین هریک از علما، روشنفکران، دانشگاہیان و صاحبان مناصب دولتی، باید به تناسب جایگاه خود نقش آفرینی کنند. راه مقابله با جنگ شناختی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جبهه دشمنان انقلاب اسلامی، استمرار راه شهدا و عمل به درس آنان یعنی مجاهدت، ایستادگی و مقاومت است...

...عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، وَا لا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد، به برکت صدای شهیدان...



در بیان زندگی نام‌های شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است امام خامنه ای

کتاب شهدا و عشق الناس، ناصر کاوی



به برکت شهیدان، حزن و خوف ما از بین می رود

عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، «امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را وچزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی گیرند، نمی شنوند، والا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد به برکت صدای شهیدان... این حزن و خوف ما را از بین خواهد برد و بهجت و شجاعت و اقدام را برای ما به ارمغان خواهد آورد...» ۰۴/مهر/۱۳۹۷
شهید چیت‌سازیان، شهید ابراهیم هادی، شهید وزویی؛ همه‌ی اینها شهدائی هستند که چون معرفی شده‌اند و چهره‌های شان تبیین شده، مجموعه‌ای از جوانها هم به اینها دل بسته‌اند؛ وقتی دل می بندند، راه آنها را دنبال می کنند. این درست نقطه‌ی مقابل آن حرکتی است که سعی می کند دل‌بستگی‌ها را به نمادهای فساد، به نمادهای دنیاطلبی، به نمادهای هرزه‌گرایی جلب کند؛ ببینید این، نقطه‌ی مقابل آن است؛ این را شما دنبال بکنید، ان شاءالله که خداوند هم کمک تان خواهد کرد... امام خامنه ای، ۲۵/آذر/۱۳۹۸

حق الناس‌ها به نوعی حق الله محسوب می‌شوند؛ ولی هنگامی که این اصطلاح در برابر حق الله به کار می‌رود، منظور از آن تنها دسته‌ای از حقوق است که به حق مردم بر انسان اشاره دارد. در منابع حدیثی و فقهی، برای اشاره به حق الناس از عناوینی چون حق عباد، حق آدمی، حق آدمیین و حقوق مسلمین نام شده است. برخی فقیهان، حق الناس را بر دو نوع دانسته‌اند: حق الناس محض، مانند رعایت جان و مال مردم و حق الناس غیرمحض یعنی حقوقی که هر دو جنبه حق الله و حق الناس را دارند؛ مانند سرقت، تعزیر و قذف... حق الناس به حقوق مالی اختصاص ندارد و جان و آبروی افراد را نیز در برمی‌گیرد. از این رو غیبت، تهمت، سخن چینی و ناراحت کردن بی‌جای مردم را هم حق الناس شمرده‌اند. در روایتی از امام سجاد(ع) که به رساله حقوق شناخته می‌شود، بیش از ۵۰ حق و تکلیف نسبت به دیگران ذکر شده است. حق الناس در احادیث از عوامل مستجاب نشدن دعا شمرده شده است. امام صادق(ع) هیچ عبادتی را برتر از ادای حق مؤمن ندانسته است. در حدیث مناهی، از پیامبر اسلام(ص) آمده است کسی که حق دیگری برگردنیش است و توان پرداخت آن را دارد، ولی در پراخت آن امروز و فردا می‌کند، هر روز در پرونده‌اش معادل گناه عشار، ثبت می‌شود. عشار به کسی می‌گفتند که به دستور حاکم ستمگر، یک‌دهم اموال مردم را به‌زور دریافت می‌کرد.

شهدا در محضر خدا هستند

قلم قاصر ما در وصف شهیدان چه توانند گفت، از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمه بزرگ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا بار یافتن نزد خداوند و ضیافت مقام ربوبی از آنان را می‌توان با قلم و بیان و گفت و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ آیا این جنت همان است که مؤمنان در آن راه دارند، یا لطیفه الهی آن است؟ آیا این بار یافتن و ارتزاق نزد رب الارباب همان معنی بشری آن است، یا رمزی الهی و والاتر و فوق برداشت بشر خاکی؟ بارالها، این چه سعادت عظیمی است که نصیب بندگان خاص خود فرمودی که ما از آن محرومیم. اکنون من به مادران و پدران مهربانی این بندگین خاص خدا و همسران و بازماندگان این عزیزان به جای تسلیت، تبریک عرض می‌کنم. یَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا... امام خمینی، کتاب: ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی، ص ۲۳

«مقدمه»

حَقُّ النَّاسِ یا حقوق عباد به حقوق مردم برعهده انسان اشاره دارد. حق الناس در مقابل حق الله است که به حقوق خدا بر ذمه بندگان می‌پردازد. حق الناس به حقوق مالی اختصاص ندارد و جان و آبروی افراد را نیز در برمی‌گیرد. حق الناس را به دو قسم محض مانند جان و مال مردم و غیر محض مانند سرقت و قذف که دو جنبه حق الناس و حق الله را همزمان دارد، تقسیم کرده‌اند. امام سجاد(ع) در رساله حقوق، بیش از پنجاه حق و تکلیف را که برعهده انسان است ذکر کرده است. در احادیث، بودن حق الناس بر ذمه انسان را باعث مستجاب نشدن دعا دانسته‌اند. حق الناس با توبه و شهادت در راه خدا بخشیده نمی‌شود بلکه باید جبران شود یا صاحب حق آن را ببخشد. در احکام قضایی دین اسلام، میان حق الناس و حق الله تفاوت‌هایی وجود دارد؛ مثلاً اجرای حکم در حق الناس به درخواست صاحب حق نیاز دارد؛ ولی در حق الله مشروط به مطالبه کسی نیست و اینکه حق الناس مبتنی بر دقت و احتیاط است؛ ولی حق الله مبتنی بر آسان‌گیری و تخفیف... در دین اسلام حقوق به حق الناس و حق الله تقسیم می‌شوند. مراد از حق الناس، حقوق مردم بر ذمه انسان است که در مقابل حقوق خدا بر ذمه (عهده) انسان قرار می‌گیرد.

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوی



حق الناس!؟

سخن از جلوه های اخلاقی امام خمینی رحمه الله است. او که شخصیت با عظمتش به سان کوهی بس بزرگ بود که قله رفیعش در ورای ابرهای طبیعت سر به آسمان معنویت و عبودیت حق سایید با پیوند به سرچشمه لایزال هستی، اعماق وجودش از زلال معرفت سیراب و از گستره پیرامونش، چشمه سارهای حکمت، جاری و تشنه کامان آب حیات را سرمست شوق وصال کرد. عظمت شخصیت امام و عمق و گستردگی آن حتی برای نزدیک ترین افراد و برجسته ترین شاگردان ایشان قابل دسترسی و شناخت دقیق نبود و کسی را هم یارای چنین ادعایی نیست. با این همه؛ آب دریا را گرتوان کشید؛ هم به قدر تشنگی باید چشید...

تمام حرکت ها، رفتارها حتی کسوت های امام خمینی، درس هایی عمیق و پرمعنی و جلوه هایی از حکمت الهی و روح ملکوتیش است. در این نوشتار کوتاه نگاهی به گوشه هایی از سیره آن پیر فرزانه در رعایت حق الناس می افکنیم تا رسم زندگی را از او بیاموزیم.

تفاوت حق الناس با حق الله

میان حق الناس و حق الله تفاوت هایی ذکر کرده اند که برخی از آنها به شرح زیر است: اثبات حق الناس نزد قاضی آسان تر از اثبات حق الله است؛ زیرا حق الله با یک شاهد مرد و دو شاهد زن، یا یک شاهد مرد همراه با سوگند، یا شهادت زنان به تنهایی، اثبات نمی شود؛ ولی برخی از حق الناس ها را می توان با این شواهد اثبات کرد...

اجرای حکم در حق الناس به درخواست صاحب حق نیاز دارد؛ ولی حق الله، بر مطالبه کسی مبتنی نیست.. در ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات ایران، تعقیب و مجازات مجرم در حق الناس، متوقف بر آن است که صاحب حق یا قائم مقام قانونی وی حقیقت را مطالبه کند... در حق الناس، برخلاف حق الله، قاضی نمی تواند مجرم را از اقرار کردن منصرف کند... برخی از مصادیق حق الناس، قابل بخشش یا انتقال اند، اما در حق الله رضایت فردی که جرم بر او صورت گرفته، موجب سقوط حق نمی شود...

حق الناس ها با توبه ساقط نمی شوند، اما برخی از حق الله ها با توبه ساقط می شوند... حق الناس مبتنی بر دقت و احتیاط، ولی حق الله مبتنی بر آسان گیری و تخفیف است... گفته شده برخی فقیهان، تفاوت های حق الله با حق الناس در احکام قضایی را ناشی از همین می دانند... حق الناس با شهادت در راه خدا بخشیده نمی شود؛ حال آنکه حق الله با شهادت بخشیده می شود... از این رو گفته شده که امام حسین (ع) در شب عاشورا به عمیر انصاری یکی از یاران خود فرمود میان مردم اعلام کن هر کس بدهکار است در رکاب من پیکار نکند، زیرا هر کس از دنیا برود در حالی که دینی بر عهده اش باشد که چاره ای برای آن نکرده باشد گرفتار دوزخ می شود)). ناد فی الناس ان لا یقاتلن معی رجل علیه دین فانه لیس من رجل یموت و علیه دین لا یدع له وفاء الا دخل النار در نقل دیگر آمده است که امام فرمود (میان همه یارانم) اعلام کن هر کس دینی بر عهده دارد با من کشته نشود؛ زیرا که من از رسول خدا (ص) فرمود: «هر کس از دنیا برود و دینی بر دمه داشته باشد، از حسنات وی در فردای قیامت برداشته می شود.»

جبران حق الناس

در حق الناس، علاوه بر توبه، باید حقوق مردم جبران شود یا صاحب حق آن را ببخشد... به گفته برخی فقیهان این مسئله شامل حقوقی که انسان قبل از بلوغ ضایع کرده، هم می شود... برپایه روایتی از پیامبر اکرم (ص)، در قیامت از حسنات کسی که حق مردم برگردن او باشد، به صاحب حق می دهند و اگر حسناتش تمام شد، گناهان صاحب حق را به پای او می نویسند؛ سپس او را وارد آتش می کنند. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۶... بر پایه روایتی دیگر از امام صادق (ع) در کتاب لئالی الاخبار، بدترین حال انسان در قیامت، وقتی است که مستحقان زکات و خمس جلوی انسان را بگیرند و خدا از حسنات او به آنها عوض بدهد. تویسرکانی، لئالی الاخبار، علامه، ج ۳، ص ۲۱۴

از این رو است که امام خمینی (ره) در وصیتی به پسرش، این چنین می فرمایند: پسر! سعی کن که با حق الناس از این جهان رخت نبندی که کار بسیار مشکل می شود. سرو و کار انسان با خدای تعالی که ارحم الراحمین است بسیار سهل تر است تا سرو و کار با انسانها. به خداوند تعالی پناه می برم از گرفتاری خود و تو و مؤمنین در حقوق مردم و سرو و کار با انسان های گرفتار. و این نه به آن معنی است که در حقوق الله و معاصی سهل انگاری کنی، اگر آنچه از ظاهر بعض آیات کریمه استفاده می شود در نظر گرفته شود، مصیبت بسیار افزون می شود و نجات اهل معصیت به وسیله شفاعت، به گذشت مرحله های طولانی انجام می گیرد. تجسم اخلاق و اعمال و لوازم آنها و ملازمه آنها با انسان، از مابعد موت تا قیامت کبری و از آن به بعد تا تنزیه و قطع رابطه به وسیله شدت ها و عذاب ها در برآزخ و جهنم و عدم امکان ربط یا شفیع و شمول شفاعت امری است که احتمال آن کمر انسان را می شکند و مؤمنان را به فکر اصلاح به طور جدی می اندازد. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که قطع به خلاف این احتمال دارد مگر آنکه شیطان نفسش چنان بر او مسلط باشد و با او بازی کند و راه حق را بر او ببندد که او را منکر روشن و تاریک کند... صحیفه امام خمینی. جلد ۱۶ صفحه ۲۲۴

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل های معطر و تهیه خوش بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمز یا زهرا (س) نوشتن کتاب **اهتمام شهدا به رعایت حق الناس**، را شروع می کنیم، تا انشاء الله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوه

حق الناس!؟

سخن از جلوه های اخلاقی امام خمینی است. او که شخصیت با عظمتش به سان کوهی بس بزرگ بود که قله رفیعش در ورای ابرهای طبیعت سر به آسمان معنویت و عبودیت حق سایید با پیوند به سرچشمه لایزال هستی، اعماق وجودش از زلال معرفت سیراب و از گستره پیرامونش، چشمه سارهای حکمت، جاری و تشنه کامان آب حیات را سرمست شوق وصال کرد. عظمت شخصیت امام و عمق و گستردگی آن حتی برای نزدیک ترین افراد و برجسته ترین شاگردان ایشان قابل دسترسی و شناخت دقیق نبود و کسی را هم یارای چنین ادعایی نیست. با این همه ؛آب دریا را گر نتوان کشید ؛هم به قدر تشنگی باید چشید.تمام حرکت ها، رفتارها حتی کسوت های او درس هایی عمیق و پرمعنی و جلوه هایی از حکمت الهی و روح ملکوتیش است. در این نوشتار کوتاه نگاهی به گوشه هایی از سیره آن پیر فرزانه در رعایت حق الناس می افکنیم تا رسم زندگی را از او بیاموزیم.روشن است که حق الناس نه تنها مال و دارایی مردم را شامل می شود بلکه افزون بر آن حیثیت، آبرو، جان و سایر حقوق آنان نیز از مصادیق حق الناس به شمار می آید و حریم مردم را در همه این موارد باید پاس داشت. از این رو ما نیز جداگانه به رعایت برخی از مصادیق در رفتار آن یار سفر کرده اشاره می کنیم…

۱. اموال مردم

امام رحمه الله که در مکتب امیرمؤمنان علی علیه السلام پرورش یافته بود و سیره رفتار آن امام همام را الگوی خویش قرار داده بود، این سخن بلند مولای خویش را پیوسته آویزه گوش داشت که فرمود:

به خدا سوگند اگر تمام شب را بر روی خار مغیلان بیدار باشم و دست و پایم را برگردنم غل و زنجیر کنند و بکشانند، نزد من بهتر است از اینکه خدا و رسول او را در روز قیامت ملاقات کنم در حالی که ستمی بر برخی از بندگان خدا روا داشته باشم یا از مال دنیا چیزی از کسی به ناحق غصب کرده باشم.

آری برای اولیای الهی سنگینی و زشتی تجاوز به حقوق مردم نیک روشن است و از این رو فکر چنین گناهی نیز در دژ محکم وجود آنان راه نمی یابد. شاید برخی نسبت به اموال شخصی مردم به خوبی مراقبت کنند، ولی در اموال عمومی و بیت المال که رعایت آن بس مهم تراست، دچار لغزش می شوند، ولی امام راحل به سان مولا و مقتدای خویش، امیرمؤمنان علی علیه السلام ، در این امر بسیار مراقب بود.

دکتر حسن عارفی در این باره می گوید: هنگامی که امام رحمه الله در بهشت زهرا داخل آمبولانس تشریف آوردند با وجود آن خستگی و بی خوابی شبانه، عرق بر پیشانی ایشان نقش بسته بود. یکی از همراهان خواست با گازهایی که در آمبولانس بود عرق امام را خشک کند، ولی ایشان قبول نکردند و دستمالی را که خودشان داشتند از جیب درآورده و با همان، پیشانی شان را خشک کردند.

این رفتار امام در حالی که وی تمام عمر خود را وقف مردم کرده است، شاهد آن است که نمی توان گفت کسی که برای بیت المال تلاش می کند، می تواند از هرگونه امکانات بیت المال نیز استفاده کند. بله نیازمند مراقبت، دقت و رعایت قوانین مربوطه است و مدیران و قانون گذاران نیز باید در این امر دقت های لازم را به کار بندند.

۲. آبروی مردم

حفظ آبروی مردم و پرهیز از غیبت، تهمت، تحقیر و استهزا و ناسزاگویی نیز از اموری است که در سیره آن بزرگ مرد تاریخ به روشنی پیدا بود. او نیک می دانست که حرمت مؤمن، از حرمت کعبه بالاتر است. چنان که از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است: «آن حضرت به کعبه نگاه کرده آن را مور تعظیم قرار داد و عظمت آن را بیان کرد، سپس فرمود: حق و احترام مؤمن از تو بالاتر است».

از این رو امام رحمه الله در رعایت و پاسداشت آبروی مردم به ویژه در پرهیز از غیبت بسیار جدی بودند و هیچ گاه نه تنها وجود نورانی خود را از این صفات تاریک و ناپسند دور نگه می داشتند، بلکه دیگران را نیز شدیداً نهی می کردند. مرحوم حاج سیداحمد آقا فرزند برومند ایشان دراین باره می گوید: «آنچه مورد اتفاق همه است، اینکه امام از جوانی حاضر نبودند در مجلس غیبت و در مجلس دروغ و گناه بنشینند. امام از همان اول شدیداً از دروغ و غیبت پرهیز داشتند. از همان اول در مجلس غیبت نمی نشستند یا حرف را قطع می کردند.

همسر امام رحمه الله نیز در این باره می گوید: من شصت سال بود که با این مرد زندگی کردم و در تمام این مدت شصت سال یک مرتبه ندیدم که ایشان یک غیبت از کسی بکنند یا یک دروغ بگویند.

یکی از همراهان امام رحمه الله در نجف اشرف (حجة الاسلام و المسلمین فرقانی) نیز دراین باره می گوید: امام همیشه می فرمودند: «حرف دیگران را نزنید» می گفتند: «والله من راضی نیستم کسی روی فرش بیرونی من یا روی فرش من نشسته باشد و به کوچک ترین فردی اهانت یا غیبت کند » و این باعث می شد که ما واقعا ملاحظه کنیمکه حتی اشخاص بزرگی که به منزل امام رحمه الله می آمدند، تا می خواستند نسبت به کسی چیزی را بگویند، بلافاصله جلوگیری می کردیم و می گفتیم حاج آقا راضی نیستند در بیرونی شان از این مقوله ها صحبت کنید.

امام رحمه الله چنان در پرهیز از غیبت و حفظ آبروی مردم مراقب بودند که حتی از سخنانی که شاید به غیبت منجر شود نیز دیگران را باز می داشت. چنانکه یکی از بستگان نزدیک ایشان می گوید: هیچ وقت ندیده ام آقا از من توقعی داشته باشندو توقع ایشان از ما فقط این بود که ما گناه نکنیم.

گاهی اوقات ما می نشستیم راجع به یک میهمانی یا راجع به چیزی صحبت می کردیم،

ایشان می گفتند: «حرف غیر نزنید» می گفتیم:

«آقا اینکه حرف کسی نیست. ما داریم یک مطلبی را می گوئیم، چیزی را تعریف می کنیم.» می گفتند:

«وقتی حرف غیر به میان آمد، شاید ناخودآگاه به غیبت کشیده بشود مگر خودتان حرف ندارید؟

حرف خودتان را بزنید. چرا حرف غیر را می زنید؟»

۳. سایر حقوق مردم

امام رحمه الله در صیانت از حقوق مردم و رعایت حال آنان بسیار ریزبین و دقیق بودند و هیچ حقی از مردم را کوچک نمی شمردند. او در محیط خانواده نیز به رغم کثرت مشاغل و برنامه ها مراقب حقوق خانواده خویش بود و زمانی را برای آنان اختصاص می داد. همچنین ایشان بسیار مراقب بودند که هیچ گاه در انجام کارهای خویش مزاحمتی برای دیگران ایجاد نکنند. همسر امام رحمه الله در این باره می گفتند:

بنده تا یاد دارم و با ایشان زندگی می کنم، هر شب به نماز شب می ایستادند و سعی داشتندکه مزاحم من یا بچه ها نباشند. حتی یک شب هم ما به خاطر نماز شب آقا بیدار نشدیم، مگر اینکه مثلاً خودمان بیدار بودیم. مسافرت هم که می رفتیم آقا برای نماز شب که بیدار می شدند طوری حرکت می کردند و آهسته راه می رفتند و وضو می گرفتند که مزاحم دیگران نبوند.

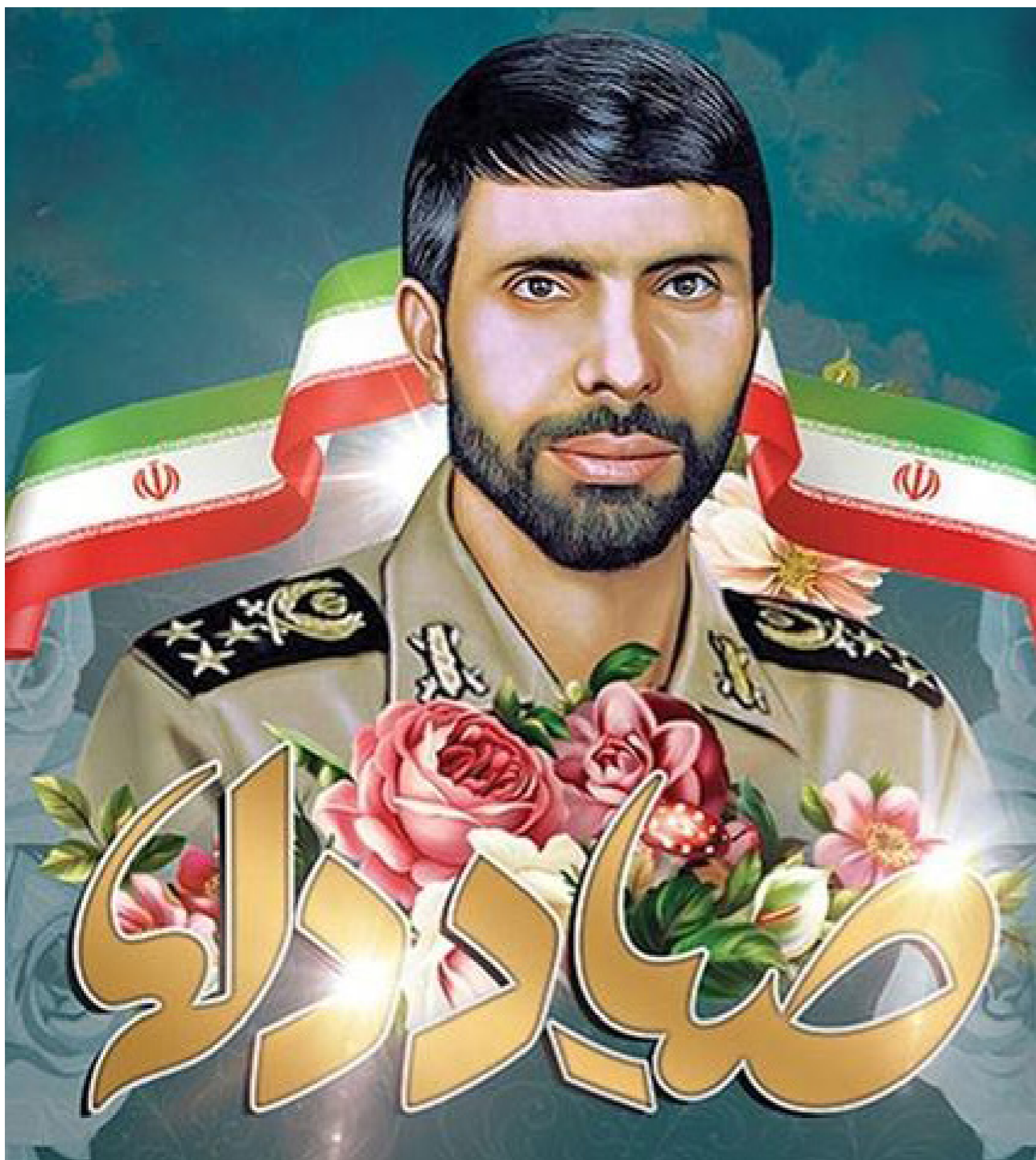
آقای بروجردی (داماد امام) نیز در این باره می گوید: در دل شب هنگامی که امام برای نماز شب برمی خاستند، لامپ را روشن نمی کردند، بلکه از یک چراغ قوه بسیار کوچک استفاده می کردند که تنها جلوی پای ایشان را روشن می کرد. امام به آرامی راه می رفتند تا دیگران بیدار نشوند.

امام رحمه الله آن استاد فرزانه نه تنها خود چنین مراقبت هایی به خرج می دادند، بلکه دیگران را از به زحمت انداختن مردم به ویژه در هنگام کوتاهی نسبت به انجام وظیفه باز می داشتند. چنان که خدمتکار امام می گوید: «یک روز بعد از ظهر حدود ساعت یک بود که آب کل منطقه جماران از جمله منزل امام رحمه الله قطع شده بود. پس از یکی دو ساعت امام خبرگرفتند، عرض شد که هنوز آب نیامده است. این قطع آب تا ساعت ۸ ادامه داشت. امام مرا خواستند و فرمود: برو به احمد بگو تلفن کند و بگوید پس مردم چه کار کنند؟ چرا باید این قدر آب قطع شود و مردم به زحمت بیفتند؟

آری امام رحمه الله نیک می داند که رعایت حقوق مردم در همه ابعاد و با همه جوانب، انسان را برای رعایت حقوق الهی مهیا می سازد. چنان که از امام علی علیه السلام چنین روایت شده است:

خدای سبحان حقوق بندگانش را مقدمه وپیش درآمد حقوق خویش قرار داده است. هر کس حقوق بندگان خدا را رعایت کند، چنین کاری او را به انجام حقوق الهی می کشاند.

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاویانی



شهید صیاد و رعایت حق الناس

۱۵ سال بود که اسمم را برای حج نوشته بودم. اسمم در نمی‌آمد. به علی گفتم: «تو می‌تونی اسم من رو جلوتر بندازی، من زودتر برم مکه.» بالاخره تیمسار بود حرفش برو داشت. می‌گفت: «عزیزجون، این چه حرفیه. تو هر وقت اسمت در بیاد می‌ری مکه. خدا خداست، دیرو زود که نداره. من برم حق یک نفر دیگه رو پایمال کنم که شما رو زودتر بفرستند. من اگه برم پارتی‌بازی هم بکنم و تو رو زودتر بفرستم، مکه شما خراب میشه.» هیچی بهش نگفتم، ولی وقتی رفت نشستم گریه کردم که علی حرف من را گوش نکرد. ولی الآن که فکر می‌کنم می‌بینم بچه‌ام حق داشت... جلسه که تمام شد، آقای صیاد من رو صدا کرد وگفت: جلسه امروز همه اش اداری نبود، حرف و کار شخصی هم بود، هر چقدر برا پذیرایی هزینه کردید، بنویسید به حساب من...

منبع: کتاب یادگاران ۱۱
کتاب صیاد و مادر شهید صیاد

۴. جبران حقوق مردم

بی تردید اگر کسی متعرض حقی از حقوق مردم شده باشد باید آن را جبران کند. اگر از راه ربا، رشوه، فریبکاری، سرقت یا هرگونه راه نامشروع دیگری در مال مردم یا بیت المال تصرف کرده باشد، توبه او مشروط به تحصیل رضایت صاحب مال یا باز پس دادن آن است. چنان که در روایتی آمده است:

پیرمردی که در دستگاه بنی امیه در عصر حجاج بن یوسف ثقفی، مسئولیت داشت و اموالی نیز اندوخته بود. از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: آیا می‌توانیم توبه کنیم؟ امام علیه السلام درنگی کرد سپس فرمود: خیر، مگر آنکه حقوق مردم را به صاحبانش برگردانی.

همچنین اگر کسی به جان مسلمانی لطمه ای وارد آورده است، توبه او مشروط به رضایت آن فرد مسلمان یا پذیرش دیه یا قصاص است. افزون بر لطمه جسمی و بدنی که ظلم و ستم در حق دیگران است، اگر کسی با ترساندن و اندوهگین ساختن، زده و خلاصه ضربه بر اعصاب و روان کسی موجبات ناراحتی او را فراهم آورد، در صورتی توبه او پذیرفته می‌گردد که همه ضربه‌ها، خسارت‌های وارد شده را جبران نمایند.

چه اینکه اگر به وسیله غیبت، تهمت، افشاگری و هرگونه رفتار دیگری مورد آسیب قرار گیرد به شرطی می‌تواند توبه کند که هر حیثیتی را که به باد داده است، به صورت اول خود بازگرداند. چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

«هر کس حیثیت مؤمنی را بشکند، بر او واجب است که آن را جبران کند.»

در سیره زندگانی امام راحل، آن یار سفر کرده، تاکنون نشنیده ایم که حقی از مردم را تضییع کرده باشند، ولی با این وجود در برخی موارد اگر برای کسی سوء تفاهمی پیش می‌آمد یا انتظاری از امام داشت آن رادمرد تاریخ که در قله عظمت بود با کمال فروتنی از او تفقه و دلجویی می‌کرد و چنان که در حالات ایشان آمده است:

امام یک روز به یکی از نزدیکان خود می‌فرمایند فردا صبح ساعت ۹ به دیدن فلان عالم برو و از طرف من از ایشان تفقد و سرکشی کن. ایشان می‌گویند موضوع را برای اینکه از یادم نرود یادداشت کردم، فردا ساعت ۹ رفتم نزدیک خانه امام متوجه شدم جمعیت زیادی در اطراف خانه ما جمع شده اند.

خیلی نگران شدم که خدایا چه شده است؟ چون آن روزها مسئله ترور امام به صورت گسترده ای مطرح بود که رژیم طاغوت می‌خواست امام را ترور کند و من احساس کردم مسئله فوق العاده ای پیش آمده است. با نگرانی فراوانی نزدیک شدم و سؤال کردم در این اثنا متوجه شدم که فرزند امام حضرت آیت الله حاج آقا مصطفی به شهادت رسیده اند و طلاب برای عرض تسلیت به امام در آنجا جمع شده و گریه می‌کردند. من هم از شدت نگرانی به طور کلی قرار ساعت ۹ و سرکشی به یکی از روحانیون فراموشم شد.

رفتم داخل اطاق، نگاهم که به امام افتاد و چهره نورانی امام را که مشاهده کردم گریه ام افزون شد. امام بدون آنکه مسئله خاصی در وجودشان احساس شود به من فرمودند: آن موضوع چه شد؟ من گیج بودم گفتم: کدام موضوع؟ امام فرمودند: موضوع دیروز. به خودم فشار آوردم تا متوجه شدم که امام موضوع دیدار و سرکشی به آن عالم را می‌فرمایند. آن هم زمانی که جنازه روی زمین است و گریه و شیون هم از همه جا بلند است، امام فرمودند: برو و از طرف من عذرخواهی کن.

آری این مراقبت‌ها و رعایت همه راز و رمزهای بندگی، از او شخصیتی کم نظیر و امام و مقتدای همه تشنگان چشمه زلال عبودیت ساخته بود. یادش گرامی و سیره و راهش زنده و پاینده باد.

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوی

حق الناس!؟

پسرم!... سعی کن که با حق الناس از این جهان رخت نبندی که کار بسیار مشکل می شود. سر و کار انسان با خدای تعالی که الرحم الراحمین است بسیار سهل تر است تا سر و کار با انسان ها. به خداوند تعالی پناه می برم از گرفتاری خود و تو و مومنین در حقوق مردم و سر و کار با انسان های گرفتار و این نه به آن معنی است که در حقوق الله و معاصی سهل انگاری کنی. اگر آنچه از ظاهر بعض ایات کریمه استفاده می شود، در نظر گرفته شود، مصیبت بسیار افزون می شود و نجات اهل معصیت به وسیله شفاعت، به گذشت مرحله های طولانی انجام می گیرد. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که قطع به خلاف این احتمال دارد، مگر آن که شیطان نفسش چنان بر او مسلط باشد و با او بازی کند و راه حق را بر او ببندد که او را منکر روشن و تاریک کند و چنین کوردلان بسیار هستند...

کتاب نامه های عرفانی امام خمینی

حساسیت بالایی امام خمینی به حق الناس

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوی

شهید صیاد

۱۵ سال بود که اسمم را برای حج نوشته بودم. اسمم در نمی آمد. به علی گفتم: «تو می تونی اسم من رو جلوتر بندازی، من زودتر برم مکه.» بالاخره تیمسار بود حرفش برو داشت. می گفتم:

«عزیزجون، این چه حرفیه. تو هر وقت اسمت در بیاد می ری مکه. خدا خداست، دیرو زود که نداره. من برم حق یک نفر دیگه رو پایمال کنم که شما رو زودتر بفرستند.

من اگه برم پارتی بازی هم بکنم و تو رو زودتر بفرستم، مکه شما خراب میشه.» هیچی بهش نگفتم، ولی وقتی رفت نشستیم گریه کردم که علی حرف من را گوش نکرد. ولی الان که فکر می کنم می بینم بچه ام حق داشت...

جلسه که تمام شد، آقای صیاد من رو صدا کرد و گفت: جلسه امروز همه اش اداری نبود، حرف و کار شخصی هم بود، هر چقدر برا پذیرایی هزینه کردید، بنویسید به حساب من...

منبع: کتاب یادگاران ۱۱

کتاب صیاد و مادر شهید صیاد

شهید حمید میرافضلی

رفسنجان بود. در مغازه باطری فروشی دیدمش. خیلی این پا و آن پا می کرد. می خواست چیزی بگوید. گفتم: سید اگر چیزی هست راحت بگو. گفت: در سال های مدرسه ممکن است شیطنت و بچه گی کرده باشم. به جده ام ام زهرا (س) قسمت می دهم که حلالم کنی. گفتم: این چه حرفی است سید جان.

می خواست دستم را ببوسد. آن روز چند بار دیگر آمد برای طلب حلالیت. پیشانی اش را بوسیدم. گریه اش گرفت. گفتم: سید جان! دلم می خواهد باز ببینمت. گفت: اگر هم برنگشتم، باز هستم. همین جا پیش شما. پیش همه. آن روز بعد از سالها تدریس پیش سید خیلی کم آوردم... منبع: کتاب پابرهنگه در وادی مقدس



حق!

پاچه های شلوارش را تا می زد تا زیر زانو، آستین هاش را هم تا آرنج! مثل بقیه کشاورزها. نمی دانم مرزبندی زمین ها را دیده اید یا نه. خیلی باریکند و راحت جابه جا می شوند. آن موقع ابراهیم ده دوازده سالش بود. هر سال موقع کشت و درو می رفت سرزمین. اگر یک سال می گفتم نمی توانم، بابا جون می ماند چه کار کند. موقع درو، به گندم های لب مرز که می رسیدیم، ابراهیم می رفت روی مرز می ایستاد. دلش نمی خواست محصول زمین های کناری با محصول زمین بابا جون قاطی شود... منبع: برشی از زندگی شهید همت

دقت در حق الناس

دورتا دور نشسته بودیم. نقشه آن وسط پهن بود. حسین گفت: تا یادم نرفته اینو بگم که اونجا که رفته بودیم برای مانور، یک تکه زمین بود. گندم کاشته بودن، به مقدار از گندم ها از بین رفته است. ببینین بچه ها چقدر از بین رفته پولشو به صاحبش بدیم... یک بار در جبهه برای همه آبگوشت پخته بودند و در ظرفی دل و قلوه آن را برای فرماندهان جدا گذاشته بودند. حسین وقتی متوجه قضیه می شود با همان یک دستش که در جنگ سالم مانده بود، این ظرف را بلند می کند و آن را داخل ظرف اصلی غذا سرازیر می کند و می گوید بین ما هیچ تفاوتی وجود ندارد و اگر غذایی هست همه باید از آن به طور برابر استفاده کنند...

برشی از زندگی شهید حسین خرازی



حلالیت طلبیدن؟

برای سید محمد خاکشیر درست کردم... گفت: این از کجاست؟ گفتم: رفته بودم بیضا از کنار مزرعه گندم چیدم... نخورد. گفت صبح برو از صاحب مزرعه حلالیت بطلب. گفتم: چرا، خاکشیر که خودروه! گفت: وقتی برای چیدن رفتی، وقتی می چیدی، وقتی برمی گشتی ممکن است یک شاخه گندم زیرپایت رفته باشد و حق او را ضایع کرده باشی!...

منبع: کتاب شمع صراط ۸

شهید حسن باقری؟

نزدیک ظهر بود. از شناسایی برمی گشتیم. از دیشب تا حالا چشم روی هم نگذاشته بودیم. آن قدر خسته بودیم که نمی توانستیم پا از پا برداریم؛ کاسه زانوهایمان خیلی درد می کرد... حسن باقری طرف شنی جاده شروع کرد به نماز خواندن. صبر کردم تا نمازش تمام شد. گفتم «زمین این طرف چمنه، بیا این جا نماز بخوان.» گفت: «آن جا زمین کسی است، شاید راضی نباشد.»

منبع: کتاب یادگاران ج ۴

من یک حق داشتم
وارد سلف سرویس شدم و صف غذا طولانی بود. دنبال آشنایی می گشتم در صف تا بتوانم سریعتر غذا بگیرم. شخصی را دیدم که چهره های آشنا داشت و قیافه ای مذهبی. نزدیک شدم و ژتون را به او دادم و گفتم: برای من هم بگیر. چند لحظه بعد نوبت او شد و ژتون مراداد و یک ظرف غذا گرفت و برای من که پشت میز نشسته بودم، آورد و خودش به انتهای صف غذا برگشت و در صف ایستاد. رفتم کنارش و گفتم: چرا این کار را کردی و برای خودت غذا نگرفتی؟... گفت: من یک حق داشتم و حالا برمی گردم و برای خودم غذا می گیرم.

روایتی از شهید عبدالحمید دیالمه

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوی



شهرک یادگاری



نزدیک ظهر بود. از شناسایی برمی گشتیم. از دیشب تا حالا چشم روی هم نگذاشته بودیم. آن قدر خسته بودیم که نمی توانستیم پا از پا برداریم: کاسه زانوهامان خیلی درد می کرد... حسن باقری طرف شنی جاده شروع کرد به نماز خواندن. صبر کردم تا نمازش تمام شد. گفتم... زمین این طرف چمنه، بیا این جا نماز بخوان... گفت: آن جا زمین کسی است، شاید راضی نباشد...

شهید حسن باقری
منبع: کتاب یادگاران، ج چهارم

کتاب شهدای حسن باقری



دقت در حق الناس

دورتا دور نشسته بودیم. نقشه آن وسط پهن بود. حسین خرازی گفت: تا یادم نرفته اینو بگم که اونجا که رفته بودیم برای مانور، یک تکه زمین بود. گندم کاشته بودن، یه مقدار از گندم ها از بین رفته است. ببینین بچه ها چقدر از بین رفته پولشو به صاحبش بدیم.... یک بار هم در جبهه برای همه آبگوشت پخته بودند و در ظرفی دل و قلوه آن را برای فرماندهان جدا گذاشته بودند. حسین وقتی متوجه قضیه می شود با همان یک دستش که در جنگ سالم مانده بود، این ظرف را بلند می کند و آن را داخل ظرف اصلی غذا سرازیر می کند و می گوید بین ما هیچ تفاوتی وجود ندارد و اگر غذایی هست همه باید از آن به طور برابر استفاده کنند...

برگرفته از کتاب « یارداران »

حاج آیت الله العظمی
محمد تقی مصباح
مطهر

شکیر حاج حسین خرازی
کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوی

♦ درخت همسایه؟

روزی باهم در مزرعه کار می کردیم و دیوار می ساختیم. در جریان کار، شاخه درخت زرشکی که متعلق به همسایه بود، شکست. شهید در پایان کار سراغ صاحب آن مزرعه را گرفت و نزد صاحب درخت رفت. صاحب درخت گفت: از اینکه زحمت کشیده و نزد وی رفته بودیم، خیلی خوشحال بود و تشکر کرد و گفت: ما هیچ ناراضیتی از حسین نداریم و هیچ آزاری از ایشان به ما نرسیده است...

برشی از زندگی شهید حسین حسنجوی، منبع: کتاب خداحافظ سردار

♦ حق الناس در زندگی شهید چمران؟

مصطفی لبنان که بود، محبوبیتی خاص بین بچه های یتیم مدرسه دخترانه مدینه الزهرا داشت. یک بار که بچه ها مطلع شدند شهید چمران به آنجا می آید، خیلی خوشحال شدند. به شوق ملاقات، با اسلحه اتوبانی که از بیروت به سمت دریا می رفت را بسته بودند. چمران وقتی رسید و بسته شدن اتوبان را دید خیلی تعجب کرد و از علت این کار پرسید. وقتی شنید که «به احترام شما اتوبان را بسته ایم»، هر دو دستش را بلند کرد و بر سرش زد و گفت: وای بر من! وای بر من! اگر مردم حلال مان نکنند. برای همین چند دقیقه ای که از عمرشان تلف شده، فردا باید پاسخگو باشم. گفت: وای بر تو مصطفی! باید از تک تک شان حلالیت بطلبیم. به سراغ ماشین ها می رفت و سرش را از شیشه تک تک ماشین ها داخل می کرد و می گفت: آقا من و بچه هایم را حلال کنید. نفهمیده اند و بچه گی کرده اند...

خاطره ای از شهید مصطفی چمران
منبع: کتاب چمران مظلوم بود

شهید سیاهکالی و حق الناس

وقتی می رفتیم گلزار شهدا، فروشگاه محصولات فرهنگی اش را هم می رفتیم. تازه عقد کرده بودیم رفتیم توی فروشگاه. حمید کتابی را برداشت و از فروشنده پرسید: شما این کتاب را خوانده اید؟ می دانید موضوعش چیست؟ فروشنده گفت: از ظاهرش بر می آید که درباره اثبات قیامت باشد. مقدمه اش را که بخوانید معلوم میشود. حمید جواب داد: من کتاب را زمانی می توانم بخوانم که هزینه آن را داده باشم. شاید ناشر یا نویسنده راضی نباشند. ولی الان نمی توانم مقدمه اش را بخوانم. از قیافه فروشنده معلوم بود که بیشتر از من، از حرف حمید تعجب کرده است...

تازه از اردو برگشته بودم و حمید هم از سرکار آمد. رفتم استقبالش. بالا آمدنش طول کشید. برگشتم اتاق. وقتی آمد داخل، بعد از سلام و احوال پرسی گفت: پسر صاحب خانه وقتی سرباز بوده کتابی را از کتاب خانه سپاه امانت گرفته بود. یادش رفته بود. داد به من که به کتاب خانه برگردانم. از اسم کتاب پرسیدم. کتاب گناهان کبیره شهید دستغیب بود که مدت ها دنبالش بودیم. گفتم: چه خوب! دو نفری می نشینیم و می خوانیمش. حمید کتاب را روی اوپن گذاشت و گفت: ما نمی توانیم این کتاب را بخوانیم. این کتاب جزء اموال عمومی کتاب خانه است و زمانی می توانیم از آن استفاده کنیم که جایی به نام ما ثبت شده باشد...

درباره بدهی های خردش نسبت به کاسب ها حساس بود و همیشه آن ها را روی کاغذهای کوچکی می نوشت و کنار مانیاتور می چسباند که اگر عمرش به دنیا نبود، من از آنها مطلع باشم و پرداخت شان کنم. آن روز ناهار خیلی دیر آمد خانه. من باید می رفتم کلاس. گفت بگذار لباس هایم را عوض کنم و برسانمت. سوار موتور از کوچه که رد می شدیم، مغازه ای را نشان داد و گفت: عزیزم! به این مغازه پانصد تومان بابت تنظیم باد لاستیک موتور بدهکاریم. پول خرد نداشتیم. الان هم که بسته است. یادت باشد سری بعد که از اینجا رد شدیم، پرداختش کنیم. گفتم: چشم! می نویسم کنار بدهی های خرد که همه را یکجا پرداخت کنیم.

منبع: کتاب یادت باشه



توشه آخرت

یک بار که با اتوبوس هم سفر بودیم، وقت نماز صبح شد. سید به من گفت: برو به راننده بگو چرا نگه نمی دارد؟ زمستان بود و خیلی هوا سرد. راننده هم قصد نداشت فعلاً جایی نگه دارد. من رفتم جلو و به راننده گفتم، ولی اعتنا نکرد. سید بلند شد و با لحن خوبی به راننده فهماند که وقت نماز صبح است و شاید بعضی ها بخواهند نماز بخوانند. راننده در حالی که ناراحت شده بود، کنار یک پل نگه داشت. جایی که فکر نمی کرد کسی پیاده شود، سید در را باز کرد و هفت هشت نفر پیاده شدیم. توی گل و سرما با آب سرد وضو گرفتیم و همان جا کنار جاده به نماز ایستادیم. بعد هم سید رفت و از راننده تشکر کرد و به او گفت: بین چه ثواب بزرگی بردی، باعث شدی تعدادی نمازشان را در اول وقت بخوانند، همین توشه آخرت توست...

راوی دوست شهید ابراهیم شجیعی،
منبع: اخلاق پرسمانی



حق الناس

پاچه‌های شلوارش را تا می زد تا زیر زانو، آستین هاش را هم تا آرنج! مثل بقیه کشاورزها. نمی دایم مرزبندی زمین‌ها را دیده‌اید یا نه. خیلی باریکند و راحت جابه‌جا می‌شوند. آن موقع ابراهیم ده سالش بود. هر سال موقع کشت و درو می‌رفت سر زمین. اگر یک سال می‌گفت نمی‌توانم، بابا چون می‌ماند چه کار کند. موقع درو، به گندم‌های لب مرز که می‌رسیدیم، ابراهیم می‌رفت روی مرز می‌ایستاد. ابراهیم دلش نمی‌خواست محصول زمین‌های کناری با محصول زمین بابا چون قاطی شود...

برشی از زندگی شهید ابراهیم همت

به نقل از کتاب «به مجنون گفتم زنده بمان»





دکتر مصطفی
شهید

حق الناس در زندگی شهید چمران

مصطفی لبنان که بود، محبوبیتی خاص بین بچه های یتیم مدرسه دخترانه مدینه الزهرا داشت. یک بار که بچه ها مطلع شدند شهید چمران به آنجا می آید، خیلی خوشحال شدند. به شوق ملاقات، با اسلحه اتوبانی که از بیروت به سمت دریا می رفت را بسته بودند. چمران وقتی رسید و بسته شدن اتوبان را دید خیلی تعجب کرد و از علت این کار پرسید. وقتی شنید که «به احترام شما اتوبان را بسته ایم»، هر دو دستش را بلند کرد و بر سرش زد و گفت: وای بر من! وای بر من! اگر مردم حلال مان نکنند. برای همین چند دقیقه ای که از عمرشان تلف شده، فردا باید پاسخگو باشم. گفت: وای بر تو مصطفی! باید از تک تک شان حلالیت بطلبیم. به سراغ ماشین ها می رفت و سرش را از شیشه تک تک ماشین ها داخل می کرد و می گفت: آقا من و بچه هایم را حلال کنید. نفهمیده اند و بچه گی کرده اند...

منبع: کتاب چمران مظلوم بود

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کلان

کتاب شهدا و حق الناس

کتاب شهدا و حق الناس



رعایت حق الناس

وارد سلف سرویس شدم و صف غذا طولانی بود. دنبال آشنایی می گشتم در صف تا بتوانم سریعتر غذا بگیرم... شخصی را دیدم که چهره ای آشنا داشت و قیافه ای مذهبی... نزدیک شدم و ژتون را به او دادم و گفتم: برای من هم بگیر. چند لحظه بعد نوبت او شد و ژتون مرا داد و یک ظرف غذا گرفت و برای من که پشت میز نشسته بودم، آورد و خودش به انتهای صف غذا برگشت و در صف ایستاد. رفتم کنارش و گفتم: چرا این کار را کردی و برای خودت غذا نگرفتی؟!... گفت: من یک حق داشتم و از آن استفاده کردم و برای شما غذا گرفتم و حالا برمی گردم و برای خودم غذا می گیرم.

روایتی از شهید عبدالحمید دیالمه

حق الناس

حق الناس در فضای مجازی

«به صرف توهم این که حالا این کار مصلحت دارد، دست شان را، یا قلم شان را، یا وبلاگ شان را آزاد نکنند که هر چه به دهن شان آمد، آن را بگویند؛ اینجور نیست، چون وسائل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است. یعنی خواندن وبلاگ هم مثل خواندن کاغذ است، کتاب است، نامه است، مثل شنیدن حرف است. استماع غیبت شامل همه ی این ها می شود؛ یعنی ملاک استماع در اینها وجود دارد مسلماً. شنیدن به گوش خصوصیتی ندارد، خواندن تو نامه هم عین همان است که ما در بحث استماع این را تأکید کردیم و عرض کردیم. خب، دوربین هم همین جور است. فرض کنید که اگر چنانچه انسان یک خطائی را از کسی دید، این را رفت با دوربین ثبت کرد، بعد آمد یک جائی نشان داد؛ این هم همان است دیگر، چه فرقی می کند؟ یعنی بایستی واقعاً به اینها توجه کرد. محیط را باید محیط اخلاقی کرد. ما اگر بخواهیم جامعه را اصلاح بکنیم، این اصلاح فقط به این نیست که انسان از افراد غیبت بکند. راه های دیگری هم وجود دارد. حالا من غیبت را عرض میکنم. فضلاً از تهمت و افتراء و اینها...» ۷/۱۰/۱۳۸۹ هـ



کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوی

اغماض نکردن از «صلاحیت‌های قانونی»

.....
اگرچنانچه در این مجلس - چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی- آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود را نداشته باشد و ما از این اغماض و صرف‌نظر کنیم، رعایت و دقت نکنیم و او وارد بشود

تأیید افراد «صالح»

.....
داوطلبی که نامزد انتخابات میشود اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید

پذیرش نتیجه انتخابات

.....
وقتی که [انتخابات] به یک نتیجه‌ای رسید و مراکز قانونی تصدیق کردند، پذیرش این نتیجه [حق الناس است]؛ ضد آن کاری که در سال 88 انجام شد

دقت در بررسی «فهرستها»

و انتخاب «افراد»

.....
مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرست‌هایی را که پیشنهاد شده است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینانند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند

{حق الناس}

رعایت حق در فهرست‌های پیشنهادی

.....
آن کسانی که این فهرست‌ها را میدهند، واقعاً رعایت حق را بکنند؛ مسئله‌ی رفیق‌بازی و جناح‌بازی و مانند این چیزها را دخالت ندهند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور در تاریخ 94/10/14 با تأکید

بر مسأله «حق الناس» در انتخابات فرمودند: «درید به عمق حق الناس برسیم.»

کتاب شهدا و حق الناس، ناصر کاوی



انتخابات ۹۴

شاخص انقلاب (۷)

حَقُّ النَّاسِ چيست؟

اگر چنانچه در این مجلس (چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی) آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود را نداشته باشد و ما از این اغماض و صرف نظر کنیم، رعایت و دقت نکنیم و او وارد بشود، این هم **باطل کردن حق مردم است.**

عزیزم
۱۳۹۴/۱۰/۱۴

کتاب شهدا و حق الناس